

واکاوی نبرد یمامه

تاریخ جمع قرآن کریم بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ مطمح نظر جمع کثیری از تاریخ‌پژوهان بوده است، از این میان، بحث «انگیزه خلیفه اول از جمع قرآن کریم» و به تبع آن بحث جنگ یمامه و شهدای آن تاریخ‌شناسان را به اختلاف آراء فراوانی سوق داده است. به طوری که موجب شد تا برخی به غلو گراییده و تعداد شهدای قاری را بالغ بر ۷۰۰ تن بدانند و در مقابل، عده‌ای از خاورشناسان را بر آن داشت تا با بررسی دوباره، این تعداد را تنها به ۲ تن تقلیل دهند. از این رو، بررسی صحت و سقم این مسأله از طریق بازخوانی واقعه یمامه و گردآوری اسامی شهدای قاری وظیفه پژوهش پیش روست تا این دو ادعا را در میان کتب روایی، رجالی، تاریخی و علوم قرآنی جست‌وجو نماید و گامی برای یافتن حقایق بردارد. شایان ذکر است که نتیجه حاصله از این پژوهش تأثیر بسزایی در پذیرش یا عدم پذیرش اصل و انگیزه اولین گردآوری قرآن خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: نبرد یمامه، جمع قرآن، شهدای قاری، حافظان قرآن، عمر.

فاطمه کرمی (نویسنده مسئول)

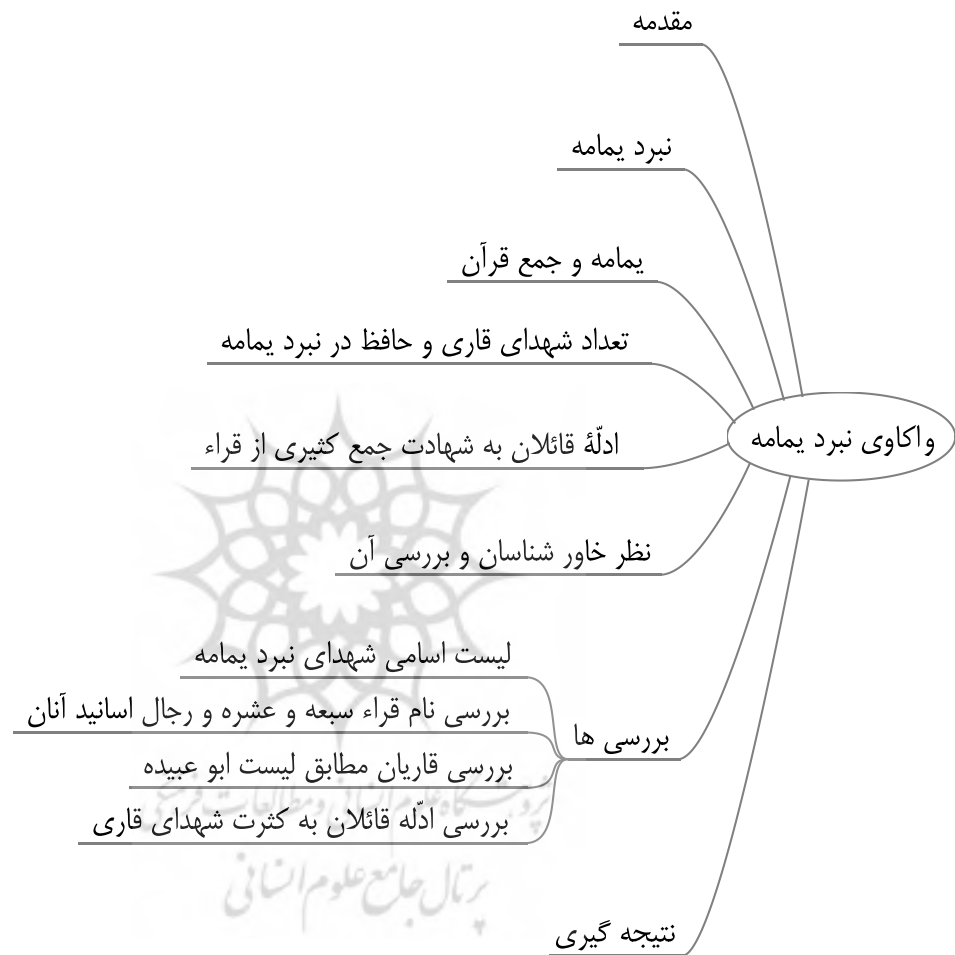
مربی
جامعة المصطفی العالمیة
Zf.karami@gmail.com

دکتر علیرضا رئیس‌یان

استادیار
دانشگاه فردوسی
raeisian42@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۴/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۳۰



۱. مقدمه

یکی از مباحث مهم علوم قرآنی بحث جمع و گردآوری قرآن کریم می‌باشد، از دیرباز این موضوع از جنبه‌های مختلف توجه قرآن‌پژوهان را به خود جلب کرده است. از مهم‌ترین موضوعاتی که در کتب علوم قرآنی مورد بحث و مطالعه قرار گرفته است. توجه به نخستین جامع قرآن، توجه به نخستین دوره جمع آن و نیز توجه به مراحل گوناگون گردآوری قرآن می‌باشد. قرآن‌پژوهان جمع و تدوین قرآن را دارای سه مرحله می‌دانند:

مرحله نخست: جمع قرآن در زمان حیات رسول الله ﷺ؛ که در این باره از زید، چنین نقل شده است: «پیامبر به ما فرمود قرآن را از روی رقاع بنویسید». مرحله دوم: کتابت قرآن در زمان حکومت ابوبکر پس از جنگ یمامه و مرحله سوم: جمع قرآن در زمان خلافت عثمان و اقدام وی در یکسان‌سازی قرائت قرآن. که البته جمع‌آوری قرآن در زمان خلیفه اول و انگیزه چنین اقدامی از جمله مباحثی است که جای تأمل دارد.

آنچه این مقاله به دنبال آن است، بررسی انگیزه و سببی است که اقدام خلیفه اول را در جمع قرآن به دنبال داشته است زیرا طبق کتب علوم قرآنی علت و انگیزه اصلی، شهادت جمع زیادی از قاریان قرآن در خلال نبرد یمامه ذکر گردیده و همین مسأله موجب شکل‌گیری آرای متفاوتی از سوی محققان شده است. از جمله موجب شد تا برخی به غلوّ گراییده و تعداد شهدای قاری را بالغ بر ۷۰۰ تن بدانند و در مقابل، عده‌ای از خاورشناسان را بر آن داشت تا با بررسی دوباره، این تعداد را به ۲ تن تقلیل دهند. همین اختلاف آماری میان مسلمانان و خاورشناسان لزوم بازبینی منابع اصلی را پدید می‌آورد. اما از آنجایی که این موضوع علاوه بر جنبه علوم قرآنی، دارای جنبه‌ی تاریخی نیز می‌باشد، بر آن شدیم تا با کنکاش در منابع علوم قرآنی، تاریخ قرآن، کتب تاریخی، آثار رجال و نیز اسباب و معازی، حادثه «جنگ یمامه» را

مورد بازبینی و مطالعه قرار دهیم تا میان این دو ادعا به دور از تمامی پیش‌فرض‌ها و تعصبات، داوری دقیقی صورت دهیم.

شایان ذکر است در این پژوهش کتابخانه‌ای، جهت بررسی ادله موافقان جمع قرآن به واسطه شهادت جمع کثیری از قاریان در یمامه، ابتدا نام تمامی شهدای جنگ یمامه از کتب فوق استخراج شده، سپس با استفاده از کتب علوم قرآنی، رجالی، انساب و مغازی سابقه آنان در قرائت یا حفظ قرآن مورد واکاوی قرار گرفته است. باید افزود که در این نوشتار ادعا بر این نیست که در استخراج نام شهدا و تهیه لیست اسامی آنان حصر کامل صورت گرفته است، بلکه با توجه به منابع قابل دسترس و موجود، این بررسی صورت پذیرفته است.

۲. نبرد یمامه

مطابق کتب تاریخی (اهل سنت) با آغاز خلافت ابوبکر چند تن از مدعیان نبوت فضا را برای مقاصد خود آماده دیدند و در جهت تحقق آمال خود به تبلیغ رسالت ساختگی خویش پرداختند. به همین منظور خود را از دادن مالیات و زکات به خلیفه معاف نمودند؛ از جمله این افراد، مسیلمه کذاب بود که در منطقه‌ای به نام یمامه در میان قبیله بنی‌حنیفه در اواخر سال یازدهم یا اوایل سال دوازدهم هجری (ابن کثیر بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۷) موجب برپایی نبرد سهمگینی شد. خلیفه که وجود او را در جامعه نوپای اسلامی بسیار خطرناک می‌دید، ابتدا با فرستادن عکرمه (طبری ۱۴۰۷ هـ، ج ۲، ص ۲۷۵) درصدد سرکوب وی برآمد. اما سپاه مسلمین با خطر شکست مواجه شد، به همین علت خلیفه سپاه خالد بن ولید را به آن منطقه گسیل داشت. در مقابل، سپاهیان مسیلمه نیز خود را برای نبرد دوباره مجهز نمودند. به طوری که مورخین تعداد سپاهیان وی را بالغ بر ۴۰ هزار مرد جنگجو برشمرده‌اند (ابن خلدون ۱۳۱۹ هـ ج ۲، ص ۵۰۱ و طبری ۱۴۰۷ هـ ج ۲، ص ۲۷۵) و به این ترتیب نبرد سختی میان هر دو گروه شکل گرفت و یکی از بزرگ‌ترین جنگ‌های رده را در تاریخ ثبت نمود.

برخی از تاریخ‌نگاران برای نشان دادن بزرگی این واقعه، به تعداد مقتولین آن استناد کرده و نقل نموده‌اند که از سپاهیان مسیلمه ۱۷ هزار جنگجو کشته (ابن خلدون ۱۳۱۹ هـ ج ۲، ص ۵۰۲ و طبری، هـ ج ۲، ص ۲۸۳) و از میان مسلمین ۱۲۰۰ و یا حتی ۱۷۰۰ تن شهید شدند (بالذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱).

۳. یمامه و جمع قرآن

به هر حال این جنگ با کشته شدن مسیلمه به پیروزی مسلمانان ختم شد (سیوطی ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۶۰ و یعقوبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶ و طبری ۱۴۰۷ هـ ج ۲، صص ۲۷۵-۲۸۳). پس از این واقعه عمر در حالی که از کشته شدن قاریان نگران بود به ابوبکر هشدار داد و گفت: «اگر در دیگر نبردها قاریان کشته شوند، قرآن نابود خواهد شد، پس لازم است قرآن جمع‌آوری شود.»^۱ (سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۹۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲ و نسایی، ۱۴۱۱ هـ ج ۵، ص ۷) «اما ابوبکر می‌ترسید از اینکه می‌خواست کاری را که پیامبر انجام نداده بود، انجام دهد. به هر صورت عمر او را بر اهمیت کار آگاه ساخت و در این راستا، از زید بن ثابت برای انجام این مهم تقاضای همکاری نمود. زید نیز همچون ابوبکر از این کار هراس داشت اما او را نیز به اهمیت کار واقف ساخته و بدین ترتیب کار نیمه تمام پیامبر، برای نخستین بار توسط خلیفه اول انجام پذیرفت (ر.ک: زرکشی، ۱۳۷۶ هـ ج ۱، ص ۲۲۳ و سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۹۳ و بخاری ۱۴۰۱ هـ ج ۱۵، ص ۳۰۶ و احمد بن حنبل، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۳).

از این‌رو، تاریخ‌نگاران و اندیشمندان قرآنی در بیان مرحله دوم جمع قرآن، علت اصلی اهتمام ابوبکر به جمع قرآن را کشته شدن تعداد زیادی از قاریان در نبرد یمامه دانسته‌اند. اما آنچه در این داستان جای پرسش و بررسی دارد این است که:

۱. إن القتل قد استحر بقاء القرآن و إنی أخشى أن يستحر القتل بالقراء فی المواطن فیذهب کثیر من القرآن و إنی أرى أن تأمر بجمع القرآن.»

۱. گویا دانشمندان قرآنی در این داستان دچار مسامحه شده‌اند؛ چرا که آنان اولین جامع قرآن را ابوبکر عنوان کرده‌اند، این در حالی است که طبق برخی روایات جمع قرآن، اولین جامع، عمر معرفی شده است.
۲. چگونه پیامبر اسلام در اندیشه ثبت و ضبط و حفاظت قرآن نبوده است؟
۳. مگر قرآن تنها در سینه حافظان جمع بوده که عمر از کشته شدن قاریان در نبردهای دیگر، از بین رفتن تمام قرآن را نتیجه گرفته است؟ این سخن چگونه با ادعای جمع قرآن در زمان حیات رسول الله ﷺ سازش دارد؟ در حالی که مؤیداتی چون روایات ثبت قرآن در ابزار نوشتاری آن دوره به دستور نبی اکرم ﷺ وجود دارد (ر.ک: سیوطی، ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۶۰).
۴. شهدای قاری در نبرد یمامه چند نفر بودند که کشته شدن آنان، وجود «کتاب الله» را با خطر نابودی مواجه ساخت؟

پاسخ صحیح این سؤالات را در میان کتب تاریخی - تحلیلی قرآن می‌توان یافت (از جمله ن.ک: خوبی، بی‌تا، صص ۲۴۰-۲۶۲ و جعفریان، ۱۳۸۲ ش، ص ۸۰ و عاملی و اسلامی، ۱۳۷۷، ش، صص ۶۰-۹۰) اما آنچه نیازمند دقت و کاوش جدی می‌باشد، پرسش اخیر است. برای رسیدن به پاسخ سؤال فوق به واکاوی دقیقی در کتب گوناگون علوم قرآنی، تاریخ قرآن و منابع تاریخی نیازمندیم تا سیر داستان «نبرد یمامه» مورد مطالعه دقیق قرار گیرد.

۴. تعداد شهدای قاری و حافظ در نبرد یمامه

مورخان و رجالیان اهل سنت در آثار خود به بیان اسامی شهدای جنگ‌های صدر اسلام بر اساس ترتیب تاریخی جنگ‌ها پرداخته‌اند که در میان آنان نام شهدای واقعه یمامه به وفور یاد می‌شود، گفتنی است که در مجموع کتب علوم قرآنی (اعم از کتب شیعه و اهل سنت) این بحث به طور یکسان مطرح شده است. به عنوان مثال: در مهم‌ترین کتب

علوم قرآنی از جمله در «الاتقان»، «مناهل العرفان» و ... و در کتب تاریخ قرآن شیعه از جمله در کتاب «تاریخ قرآن» آقای رامیار (رامیار، ۱۳۸۰ش، صص ۲۹۹-۳۰۳) و آیت‌الله معرفت (معرفت، ۱۳۸۲ش، ص ۸۸) و ...، در بیان انگیزه خلیفه اول از جمع قرآن همین داستان ذکر شده است. همچنین در کتب تاریخی همچون «الفتوح» ابن اعثم، «تاریخ طبری» و دیگر کتب مهم تاریخی مطالب یکسانی بیان شده است که در اینجا به اختصار، تنها بر اساس منابع دسته اول، به این نکات اشاره می‌شود:

الف) برخی ادعا کرده‌اند که تعداد قاریان شهید در جنگ یمامه ۷۰۰ تن بوده است (قرطبی، ۱۴۲۳هـ ج ۱، ص ۵۱ البته قرطبی این تعداد را به صورت «قیل» ذکر کرده است) و برخی دیگر تعداد این شهدا را بالغ بر ۵۰۰ قاری دانسته‌اند (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۲، ر.ک: زرقانی، ۱۴۲۵هـ: ج ۱، ص ۲۴۹). کمترین تعداد قاریان شهید به گواهی برخی ۷۰ تن بوده است (سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۲، ص ۴۱۶ و زرقانی، ۱۴۲۵هـ ج ۱، ص ۲۴۹).

ب) برخی تعداد کشته شدگان مسلمان را ۱۷۰۰ تن دانسته‌اند که ۳۶۰ نفر آنان، از صحابه پیامبر شمرده می‌شوند. (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱)^۱ و برخی دیگر شهدای صحابه را ۴۵۰ یا ۶۰۰ تن برشمرده‌اند (العکری، ۱۴۰۶هـ ج ۱، ص ۲۳). هرچند در مقابل، برخی دیگر این تعداد را به ۷۰ تن، تنها از شهدای انصار، تقلیل داده‌اند (شافعی، ۱۹۹۵م، ج ۲۶، ص ۱۰۴ و ابن کثیر، ۱۳۹۶هـ ج ۳، ص ۹۱ و ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۲۱۳ و ابن حجر ۱۳۷۹هـ: ج ۱۳، ص ۱۱۴ و بخاری ۱۴۰۱هـ: ج ۱۳، ص ۴۵۷ و قرطبی ۱۴۲۳هـ: ج ۱، ص ۵۰) گفتنی است که در این بین و با وجود تفاوت آشکار در ارقام شهدای یمامه؛ برخی در شهادت آنان در این نبرد تردید نموده و آنان را در لیست شهدای دیگر جنگ‌ها آورده‌اند.

۱. «و قد اختلفوا في عدة من استشهد باليمامة، فأقل ما ذكروا من مبلغها سبع مئة و أكثر ذلك ألف و سبع مئة و قال بعضهم: إن عدتهم ألف ومائتان»

۵. ادله قائلان به شهادت جمع کثیری از قراء

در ذیل به پنج ادله مهم قائلان به شهادت جمع کثیری از قراء اشاره می‌شود:

۱. در میان انبوه کتب اهل سنت که به بیان این نبرد پرداخته‌اند، با تمام اختلافاتی که در ارقام شهدای قاری وجود دارد، یک وجه اشتراک به چشم می‌خورد و آن باورداشت کثرت شهدای قاری است که بی‌تردید علت این وجه اشتراک، همان گفته عمر بن خطاب است. بر این اساس مهم‌ترین دلیل قائلان، همین سند است.
۲. با این حال برخی به بیان ادله دیگری نیز پرداخته‌اند تا با آن دلایل کثرت قراء شهید اثبات شود تا به تبع آن ضرورت تدوین قرآن توسط خلافت نیز اثبات گردد. از جمله این دلایل، گفتار و شعارهای مسلمانان در آن روز است:
 - شعار «یا اصحاب سوره البقره» (بالذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۸).
 - گفته سالم در حین پذیرش پرچمداری سپاه که هنگامی که به او گفته شد: «تو نیز مانند پرچمدار قبلی کشته خواهی شد» وی در جواب گفت: «بد حامل قرآنی باشم اگر از مرد قبل کم بیاروم».
 - گفته حذیفه بن یمان که خطاب به مسلمین گفت: «ای اهل قرآن، قرآن را با کارهای خود زینت دهید» (طبری، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۲۸۰ و العبید، بی‌تا: ص ۳۹) طبق ادعای موافقان جمع قرآن توسط ابوبکر، مجموع این اقوال نشان‌دهنده کشته شدن جمعی از حافظان و قاریان قرآن است.
۳. اهتمام صحابه به حفظ قرآن به طوری که این شوق در میان زنان و فرزندان آنان نیز موجب فراگیری قرآن شد تا آنجا که برخی زنان مهر خود را چند سوره از قرآن کریم قرار می‌دادند (العبید، بی‌تا، ص ۲۲).
۴. وجود افراد بی‌شماری که در دوران حیات پیامبر به حفظ قرآن و قرائت آن روی آورده‌اند، گواه دیگری بر این مطلب است. برخی منابع به نقل از «القراءات ابو عبیده» (این کتاب را سیوطی اولین کتاب در باب قراءات معرفی می‌کند: سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۱، ص ۱۹۸) نام چند تن از قاریان صحابی را ذکر کرده‌اند.

۵. شهادت ۷۰ تن از حفاظ و قاریان در نبرد بئر معونه در سال چهارم دلیل دیگری است که در سال دوازدهم نیز همین تعداد از قاریان به شهادت رسیده‌اند.

۶. نظر خاور شناسان و بررسی آن

برخی از خاورشناسان معتقدند تنها دو قاری در این جنگ کشته شده‌اند؛ سالم و عبدالله بن حفص بن غانم. ابتدا عبدالله بن حفص پرچمدار مهاجرین بود و شهید شد و پس از او سالم پرچمداری مهاجرین را به عهده گرفت. (نولدکه، ۲۰۰۴م، ج ۲، ص ۲۵۳ و ن.ک: رامیار، ۱۳۸۰ش، ص ۳۰۲).

اما این نکته را تنها در تاریخ طبری به نقل از سیف و به تبع طبری، در تاریخ ابن اثیر می‌توان دید (ابن اثیر، ۱۳۸۶ هـ ج ۱، ص ۳۷۳ و طبری، ۱۴۰۷هـ ج ۲، ص ۲۸۰). این در حالی است که دیگر مورخان (ابن خلدون، بی‌تا، ج ۲، صص ۵۰۳-۵۰۱ و بلاذری، ۱۹۵۶م، صص ۱۰۹-۱۱۱ و ذهبی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۷۵ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶ ص ۳۶۹) در هنگام شرح ماجرا، نامی از حفص بن غانم ذکر نکرده‌اند، بلکه پرچمدار قبل از سالم را زید بن خطاب معرفی نموده‌اند (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶ ص ۳۶۹)، ضمن آنکه از میان کتب تراجم، تنها کتاب الاصابه (عسقلانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۱۱۷) به نقل از طبری اشاره‌ای به وی کرده است و دیگر هیچ توصیفی راجع به او ذکر نیاورده است (ر.ک: علامه عسگری، بی‌تا، ج ۱۳، ص ۱۸) تا بتوان او را از قاریان برشمرد.

۷. بررسی‌ها

جهت واکاوی صحت و سقم دو ادعای گفته شده، ضروری است تا با توجه به کتب گوناگون اسلامی ابتدا سه لیست از نام قراء به ترتیب زیر تهیه شود:

۱) اسامی شهدای نبرد یمامه؛ ۲) نام قراء سبعة و عشرة و نیز نام رجال اسانید آنان و؛ ۳) لیست ابو عبیده از قاریان به عنوان نخستین مدون کتاب قرائات.

سپس اسامی تهیه شده بررسی شده و پس از آن مطابق شروح برخی از شارحان بر سخن عمر، علت و زمینه‌های وقوع این ادعا بررسی می‌گردد.

۱.۷. لیست اسامی شهدای نبرد یمامه

این لیست که حاصل واکاوی در میان آثار تاریخی، رجالی، تراجم، انساب و بلدان است بدین قرار می‌باشد:

۱. بسر بن اَبی رهم الجهنی (عسقلانی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۱)؛ ۲. بن سلیم بن قیس بن خالد بن اَبی الحشر (عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۴، ص ۳۷۵)؛ ۳. عتاب بن سلیم بن قیس (عسقلانی ۱۴۱۲ هـ ج ۴، ص ۳۷۵)؛ ۴. اَسید (اسعد) بن یربوع بن البدی الأنصاری الساعدی (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۳۰ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۲۳۶ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۷ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۵. ایاس بن ودقة الأنصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۳۹ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۲۳۶ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۳، ص ۳۲۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۰۰ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۶. بشر بن عبد الله الأنصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۵۲ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۳، ص ۳۷۹ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۲۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۷. بجداد (بجار) بن السائب بن عویمر القرشی المخزومی (ابن کلبی، بی‌تا، ج ۳، ص ۳۷۰ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۵۹ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۰۲)؛ ۸. ثابت بن هنزال بن عمرو الأنصاری (ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۵۵۱ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۴۷ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۹. جبیر بن بحیثة که گفته شده وی همان ابن مالک بن القشرب است (صفدی ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۱۰. جنادة بن عبد الله بن علقمة بن المطلب بن عبد (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۷۴ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ

ج ۴، ص ۵۲ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۱۸۹ و مصعب زبیری، بی‌تا، ص ۲۳؛ ۱۱. *جرول بن العباس بن عامر بن ثابت* أو نابت (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۷۸ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۱۲. *حاجب بن یزید الأنصاری الأشهلی* (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۹ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۸۳ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۶۳، ابن کثیر بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۳. *الحارث بن أبی صعصعة* (صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۱۱، ص ۱۸۱ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۱۱ و ۱۹۹ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۸۵ و ابن کلبی، بی‌تا، ص ۱۴۶)؛ ۱۴. *حبيب بن أسد بن جارية الثقفی* (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۹۵ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۳۳ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۵. *حبيب بن عمرو بن محسن الأنصاری* (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۹۵ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷ و بلاذری، ۱۹۵۶ م: ص ۱۱۰ و ابن کلبی بی‌تا: ص ۱۴۵ و ابن کثیر بی‌تا: ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۶. *حکیم بن حزن بن أبی وهب ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۰۷ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۲، ص ۴۵۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۷۹ و بخاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۱۱ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۱۷. *حی بن حارثة الثقفی یاحی بن جارية* (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۱۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۲۳۸ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۳۴۰)؛ ۱۸. *ریاح مولی بنی جحجیبی* (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۴۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۵۴)؛ ۱۹. *ریاح مولی الحارث بن مالک الأنصاری* (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۴۴ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۵۴ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۶۹ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۵۴ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۳۷۵)؛ ۲۰. *ربیعة بن أبی خرشة بن ربیعة القرشی العاصمی* (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۶۲ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۳۸۵)؛ ۲۱. *زرارة بن قیس الأنصاری الخنرجی* (صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۴، ص ۴۷۷ و عسقلانی، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۴۶۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۵۳ و ابن اثیر، بی‌تا، ص ۳۸۱)؛ ۲۲. *السائب بن عثمان بن مظعون* (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۰۲ و بلاذری، ۱۳۹۴ هـ ص ۳۷۷ و تمیمی، ۱۹۵۹ م، ص ۶۱ و زرکلی، ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۶۸ و بلاذری، ۱۹۵۶ م، ص ۱۰۹ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۷۲)؛ ۲۳. *السائب بن العوام بن خویلد القرشی الأسدی* (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴، ص ۱۱۹ و شافعی،*

۱۹۹۵ م، ج ۵۸، ص ۲۴۷ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹ و ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۶ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۵، ص ۲۸ و ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۲ و بلاذری، ۱۳۹۴ هـ ج ۳، ص ۲۸۰ و ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۱۳ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۷۲)؛ ۲۴. سعد بن حارثة بن لوذان (طبرانی، ۱۴۰۴ هـ ج ۶، ص ۵۶ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ، ج ۵، ص ۴۸ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۷۴ و ابن اثیر، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۲)؛ ۲۵. سعد بن حمار بن مالک الأنصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۱۷۵ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷ و سمعانی، بی تا، ج ۲، ص ۸۰)؛ ۲۶. سلمة بن مسعود بن سنان الأنصاری (صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۵، ص ۱۰۲ و ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۴)؛ ۲۷. سماک بن خرشة (سماک بن أوس بن خرشة) أبو دجانة النصارى (رازی، ۱۲۷۱ هـ ج ۴، ص ۲۷۹ و ابن کلبی، بی تا، ص ۹۵ و بلاذری ۱۹۵۶ م: ص ۱۱۰)؛ ۲۸. سهیل بن عدی الأزدي (ابن کثیر بی تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۲۹. ضرار بن الأزور الأسدي (صالحی، ۱۴۱۴ هـ ج ۱۱، ص ۳۶۰ و زرکلی ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۲۱۵ و بلاذری ۱۹۵۶ م، ص ۱۱۱)؛ ۳۰. طلحة بن عتبة الأنصاری (عسقلانی ۱۴۱۲ هـ ج ۳، ص ۴۳۳ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۲۳۳ و ابن اثیر، بی تا، ص ۵۴۵)؛ ۳۱. عامر بن البکیر اللیثی (ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۳۷۴)؛ ۳۲. عامر بن ثابت بن سلمة بن أمية (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴، ص ۳۷۴ و ابن حبان ۱۳۹۵ هـ، ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۳۳. عبد الرحمن بن حزن بن أبي وهب (ابن کثیر، بی تا، ج ۶، ص ۳۶۹)؛ ۳۴. عبد الرحمن بن عبد الله بن ثعلبة أبو عقيل البلوی (سمعانی، بی تا، ج ۴، ص ۳۵۶ و بلاذری ۱۹۵۶ م، ص ۱۱۰)؛ ۳۵. عبد الرحمن بن قیظی بن قیس (عسقلانی ۱۴۱۲ هـ ج ۳، ص ۲۹۷)؛ ۳۶. عبد الله بن عثمان الأسدي (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ، ج ۱، ص ۲۸۹)؛ ۳۷. عبد الله بن عمرو بن بجرة القرشي العدوی (ابن ماکولا، بی تا، ج ۱، ص ۱۹۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵ ق، ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۳۸. عبد الله بن محرمة بن عبد العزی القرشي العامری (بلاذری، ۱۳۹۴ هـ، ص ۹۶ و ابن سعد ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۰۴)؛ ۳۹. عبید الله بن عبید (عتیک) بن التیهان (ذهبی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر، بی تا، ص ۷۲۷)؛ ۴۰. عتاب بن سلیم بن قیس بن خالد القرشي التیمی (ابن ماکولا، بی تا، ج ۲، ص ۱۰۳ و ابن سعد ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۴۹)؛ ۴۱. عقبه بن عامر بن نابی بن الأنصاری الخزرجی

(زرکلی، ۲۰۰۲م: ج ۵، ص ۲۲۷ و ابن کلبی بی‌تا، ص ۱۴۹ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۴۲. علی بن عبید الله بن الحارث بن رخصه (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۷۸)؛ ۴۳. عمرو بن أبی اویس بن سعد بن أبی سرح القرشی العامری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۶۱ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۴۴. عمیر بن اوس بن عتیک (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۱۴۱ و ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۴۵. فروة بن النعمان که «فروة بن الحارث بن النعمان بن یساف الأنصاری الخزرجی» نیز گفته شده است (صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۷، ص ۱۶۲ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۹۰)؛ ۴۶. کعب بن عمرو بن عبید بن الحارث (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۴۵۳ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۱۰)؛ ۴۷. لقیط بن عصب البلوی وی را «النعمان بن عصب» نیز خوانده اند (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۶ و ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۴۷۰)؛ ۴۸. مالک بن أمیة بن عمرو السلمی (ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۴۹. مالک بن عمرو السلمی (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و بلاذری، ۱۳۹۴هـ ج ۴، ص ۲۷۹)؛ ۵۰. مخرمة بن شریح الحضرمی (رازی، ۱۲۷۱هـ ج ۸، ص ۳۶۳ و طبرانی، ۱۴۰۴هـ ج ۷، ص ۱۴۸)؛ ۵۱. مخشی بن حمیر الأشجعی (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۷، ص ۲۲۸ و ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۵۲. مسعود بن سنان بن الأسود (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۳۵ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۵۳. معاذ بن عمرو بن قیس بن عبد العزی (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۶، ص ۱۱۴)؛ ۵۴. معن بن عدی بن الجد بن عجلان بن ضبیعة البلوی (عینی، بی‌تا، ج ۲۴، ص ۱۰ و شیبانی، ۱۴۱۱هـ ج ۴، ص ۶ و بلاذری، ۱۳۹۴هـ ص ۱۰۴)؛ ۵۵. مخاشن الحمیری حلیف الأنصار (ابن هشام، ۱۳۸۳هـ ج ۵، ص ۲۰۵ و سمعانی، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۲۶)؛ ۵۶. النعمان بن عصب بن الربیع بن الحارث بن أذیم البلوی (زبیری، بی‌تا، ص ۲۳ و تستری، ۱۴۱۹هـ ج ۱۰، ص ۵۰۹)؛ ۵۷. هریم بن عبد الله بن علقمة بن المطلب بن عبد مناف القرشی المطلبی (تستری، ۱۴۱۹هـ ج ۱۰، ص ۵۰۹ و ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۵۸. الولید بن عبد شمس بن المغیره القرشی المخزومی (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷)؛ ۵۹. ودقة بن ایاس بن عمرو بن غنم الأنصاری (ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۵۵۲ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۹۷)؛ ۶۰. یزید بن اوس (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۵۶)؛ ۶۱. یزید بن ثابت بن الضحاک (ابن حبان، ۱۹۵۹م، ص ۳۴)؛ ۶۲. أبو حبة بن

غزوة الأنصارى المازنى النجارى (ابى احمد حاكم، بى تا، ج ٤، ص ٥٧ و ابن كلبى، بى تا، ص ١٤٦ و بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١١٠)؛ ٦٣. أبو عقيل البلوى الأنصارى (ابن عبدالبر، ١٤١٢ هـ ج ٢، ص ٥١ و ابن حبان، ١٣٩٥ هـ ج ٣، ص ٢٥٤)؛ ٦٤. أبو على بن عبد الله بن الحارث بن رخصة القرشى العامرى (بلاذرى، ١٣٩٤ هـ ج ٣، ص ٤٢٦، ابن كلبى، بى تا، ٧٨)؛ ٦٥. سالم مولى أبى حذيفة بن عتبة بن ربيعة (ابن خلدون، بى تا، ج ٢، ص ٥٠٢ و بلاذرى، ١٣٩٤ هـ ج ٣، ص ٢٦٢)؛ ٦٦. أسعد بن حارثة الأنصارى الساعدى (عسقلانى، ١٤١٢ هـ ج ١، ص ١٦)؛ ٦٧. أوس بن عمرو الأنصارى المازنى (عسقلانى، ١٤١٢ هـ ج ١، ص ٥٤)؛ ٦٨. بجير بن العوام بن خويلد بن أسد بن عبد العزى القرشى الأسدى (بلاذرى، ١٣٩٤ هـ ج ٣، ص ٢٠٨ و ابن حزم، ١٤٢٤ هـ ج ١، ص ١٣)؛ ٦٩. الحباب بن جزء بن عمرو الأنصارى (عسقلانى، ١٤١٢ هـ ج ١، ص ٢٠٤)؛ ٧٠. ثابت بن قيس بن شماس بن مالك بن امرئ القيس الأنصارى الخزرجى (بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١١٠ و ذهبى، ١٤٠٧: ج ١، ص ٣٧٧ و خليفه بن خياط بى تا، ص ١٦٣) عصمة بن رثاب حنيف بن رثاب الأنصارى (صفدى، ١٤٢٠ هـ ج ٤، ص ٢٣٥ و ابن اثير بى تا، ج ١، ص ٦٧٠)؛ ٧١. شجاع بن وهب بن أبى وهب (زركلى، ٢٠٠٢م، ج ٣، ص ١٥٨ و ابن سعد، ١٩٦٨م، ج ٣، ص ٩٤ و بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ٧٢. كليب بن بشر بن تميم؛ ٧٣. يزيد بن قيس؛ و ٧٤. صفوان بن أمية بن عمرو؛ و ٧٥ و برادرش مالك بن أمية (ذهبى، ١٤٠٧ هـ ج ١، ص ٣٧٧ و ابن اثير، بى تا، ج ١، ص ٤٠٤ و ابن حبان، ١٣٩٥ هـ ج ٢، صص ١٧٧-١٧٨)؛ ٧٦. عبد الله بن الحارث بن قيس بن عدى (ابن سعد، ١٩٦٨م، ج ٤، ص ١٩٥ و بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ٧٧. عبد الله بن سهل بن عمرو (ذهبى، ١٤٠٧ هـ ج ١، ص ٣٧٧ و ابن كثير، بى تا، ج ٦، ص ٣٧٢)؛ ٧٨. سليط بن سليط بن عمرو؛ و ٧٩. ربيعة بن أبى خرشه؛ و ٨٠. منقذ بن عمرو بن عطية (ابن حبان، ١٣٩٥ هـ ج ٢، صص ١٧٧-١٧٨)؛ ٨١. عباد بن بشر بن وقش (ذهبى، بى تا، ج ١، ص ٣٣٩ و تميمى، ١٩٥٩م، ص ٤٨ و بخارى، ١٣٩٧ هـ ج ١، ص ٦١)؛ ٨٢. مالك بن أوس (ابن كلبى بى تا، ١٤١٠ هـ ج ١، ص ١٠٩)؛ ٨٣. فروة بن العباس؛ و ٨٤. عبد الله بن عبد الله بن أبى بن سلول (ابن كلبى بى تا، ٩٦ هـ ج ١، ص ١١٠)؛ ٨٥. عبد الله بن عتبان؛ و ٨٦. أوس بن ورقة؛ و ٨٧. عبد الله بن أنيس (ابن حبان، ١٣٩٥ هـ ج ٢، صص ١٧٧-١٧٨)؛ ٨٨. حارثة بن ضبيعة بن حرام بن جعل

(ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۸۵ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۴، ص ۴۰۱)؛ ۸۹. بن مالک بن عامر انصاری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۸۰ و صفدی، ۱۴۲۰ هـ ج ۴، ص ۱۲)؛ ۹۰. حزم بن ابی حزم القطعی البصری؛ و ۹۱. یزید بن رقیش ابن رثاب که کنیه‌اش ابا خالد است (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۹۱ و بلاذری، ۱۹۵۶ م، ص ۱۰۹)؛ ۹۲. سلیط بن عمرو ابن عبد شمس بن عبد (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴، ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۲۴)؛ ۹۳. حاجب بن بریده إخوة عبد الأشهل بن چشم (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴، ص ۳۶۴)؛ ۹۴. جزء بن عباس (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۴، ص ۳۷۸)؛ ۹۵. قیس بن عمرو بن زید بن أمیة بن زید (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۸، ص ۳۴۸)؛ ۹۶. أبو حذیفة بن عتبة بن ربیعة بن عبد شمس بن عبد مناف اسمه هشام (رازی، ۱۲۷۱ هـ ج ۹، ص ۱۱۴ و ابن خلدون، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۰۲)؛ ۹۷. أبو جندل بن سهیل بن عمرو واسم أبی جندل عبد الله بن سهیل بن عمرو (خلیفة بن خیاط، بی‌تا، ص ۶۳ و ابی احمد حاکم، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۸)؛ ۹۸. ومعمربنو حزم بن زید بن لودان؛ ۹۹. یزید بن ثابت بن الضحاک بن زید (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۲، ص ۸۹ و ابن کثیر، ۱۴۰۸ هـ ج ۶، ص ۳۷۴)؛ ۱۰۰. ثابت بن أرقم بن ثعلبة بن عدی بن العجلان البلوی (محبی الدین نووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۸۱)؛ ۱۰۱. زید بن الخطاب بن نفیل برادر عمر بن الخطاب (ابن حزم، ۱۴۲۴ هـ ج ۱، ص ۲۱، زرکلی ۲۰۰۲ م، ج ۳، ص ۵۸ و شیبانی، ۱۴۱۱ هـ ج ۱، ص ۲۲۳)؛ ۱۰۲. سعید بن زید (بخاری، بی‌تا، ج ۳، ص ۴۷۲)؛ ۱۰۳. حزن بن أبی وهب بن عمرو بن عائذ المخزومی (رازی، ۱۲۷۱ هـ ج ۸، ص ۲۹۲ و شافعی، ۱۹۹۵ م، ج ۵۸، ص ۱۸۶ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۱۰۴. الحارث بن کعب بن عمرو بن عوف الأنصاری النجاری (بلاذری، ۱۹۵۶ م، ص ۱۱۰ و ابن کلبی، بی‌تا، ۹۲)؛ ۱۰۵. سعد بن حبان که البته جماز یا حبان گفته شده است. (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۲۷)؛ ۱۰۶. سعد بن عمرو بن عبید الأنصاری النجاری (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۳۷)؛ ۱۰۷. سعید بن الربیع الأنصاری (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۴۸)؛ ۱۰۸. سهل بن عدی التمیمی (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸۷)؛ ۱۰۹. ضمرة بن عیاض (ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴ و ذهبی، ۱۴۰۷ هـ ج ۱، ص ۳۷۷)؛ ۱۱۰. عمرو بن الأسود بن عامر (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۲۶)؛ ۱۱۱. قیس بن عبید بن الحریر بن عبید (ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۲۳)؛ ۱۱۲. النعمان بن عبید (ابن ماکولا، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۴)؛ ۱۱۳. أبو حنة غزیه بن عمرو من بنی مازن ابن النجار (بلاذری،

١٩٥٦م، ص ١١٠ وابن كلبى، بى تا، ص ١٤٦؛ ١١٤. وايلة بن حارثة بن ضبيعة ابن حرام بن جعل پدرنعمان بن عصر (ابن ماكولا، بى تا، ج ٧، ص ٣٨٥ و سمعانى، ١٤٠٨هـ ج ٥، ص ٥٦٩)؛ ١١٥. عباد بن الحارث الأنصارى (بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١١٠)؛ ١١٦. أبى العاص بن الربيع يا لقيط بن الربيع بن عبد العزى (شيبانى، ١٤١١هـ ج ١، ص ٢٢٩)؛ ١١٧. ابو مرثد كنان بن الحصين الغنوى (ذهبى، ١٤١٣هـ ج ١، ص ٢٥٨)؛ ١١٨. داؤوبه الفارسى (ابن كثير بى تا، ج ٦، ص ٣٦٩)؛ ١١٩. حسن بن مالك بن بحينة الازدى؛ و ١٢٠. مالك بن ربيعة حليف بنى عبد شمس؛ و ١٢١. أبو قيس بن الحارث بن قيس السهمى (ابن هشام ١٣٨٣هـ ج ٥، ص ١١)؛ ١٢٢. عمر بن أوس؛ و ١٢٣. مروان بن العباس؛ و ١٢٤. خباب بن زيد (ابن كلبى، بى تا، ص ١٤٣ و ابن هشام، ١٣٨٣هـ ج ٥، ص ١١)؛ ١٢٥. سهل بن حمان؛ و ١٢٦. محاسن بن حمير؛ و ١٢٧. ثابت بن خالد (ذهبى، ١٤٠٧هـ ج ١، ص ٣٧٧)؛ ١٢٨. عبد الله بن حفص ابن غانم (طبرى، ١٤٠٧هـ ج ٢، ص ٥١٢)؛ ١٢٩. وهب بن حزن بن أبى وهب المخزومى؛ و ١٣٠. مالك بن ربيعة؛ و ١٣١. حبيب بن أسيد بن جارية الثقفى؛ و ١٣٢. حبيب بن زيد (ذهبى، ١٤٠٧هـ ج ١، ص ٣٧٤-٣٧٧)؛ ١٣٣. اياس بن البكير الكنانى (بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ١٣٤. سراقه بن كعب بن عبد العزى النجارى (ابن كلبى، بى تا، ص ٩١)؛ ١٣٥. العاصى بن ثعلبة الدوسى (بلاذرى ١٩٥٦م، ص ١١٠)؛ ١٣٦. خالد بن اسيد بن ابى العيص (بلاذرى، ١٣٩٤هـ ج ٢، ص ٢٤٢)؛ ١٣٧. القطبون الملك واسمه عامر بن عامر بن ثعلبة بن حارثة (صحارى، بى تا، ج ١، ص ١٧٨)؛ ١٣٨. عرفه بن غزیه بن عمرو مبدول (ابن كلبى، بى تا، ص ٩٠)؛ ١٣٩. عبد الله بن ثابت بن عتيك بن حرام (ابن كلبى، بى تا، ص ١٠٠)؛ ١٤٠. عباد بن الحارث بن عدى بن الأسود بن الأصرم (ابن كلبى، بى تا، ص ١٣٩)؛ ١٤١. عكاشة بن محصن ابن حرثان الاسدى (محيى الدين نووى، بى تا، ج ١، ص ١٨١ و ابن اثير، ١٤٠٨هـ ج ٦، ص ٣٦٩)؛ ١٤٢. رافع بن سهل بن رافع بن عدى الأنصارى (صالحى، ١٤١٤هـ ج ٤، ص ١٠٠ و ابن حبان، ١٣٩٥هـ ج ٢، ص ١٧٧)؛ ١٤٣. الحكم بن سعيد بن العاص بن أمية (ذهبى، ١٤٠٧هـ ج ٣، ص ٦٣ و بلاذرى ١٩٥٦م، ص ١٠٩)؛ ١٤٤. الطفيل بن عمرو بن طريف بن العاص (ابن اثير، ١٤٠٨هـ ج ٦، ص ٣٧١)؛ ١٤٥. عائذ بن ماعص بن قيس (ابن عبد البر، ١٤٢١هـ ج ١، ص ٢٤١ و بلاذرى، ١٩٥٦م، ص ١١١ و ابن اثير، ١٣٨٦هـ

ج ۲، ص ۳۶۶): ۱۴۶. عمارة بن حزم بن زید بن لؤذان الأنصاری (ابن سعد، ۱۹۶۸م: ج ۳، ص ۴۸۶ و بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴): ۱۴۷. عبد الله بن سعید بن العاص بن أمیة بن عبد شمس بن عبد مناف؛ و ۱۴۸. قیس بن الحارث بن عدی (ابن عبد البر، ۱۴۲۱هـ ج ۱، ص ۳۹۷ و عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۳۵۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، ص ۱۷۷): ۱۴۹. سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبد؛ و ۱۵۰. ابو اسید مالک بن ربیعہ ساعدی؛ و ۱۵۱. حکم بن ابی ایححه.

در میان شهدای یمامه، رجال‌شناسان نام افرادی را در زمره شهدای دیگر غزوات دانسته که از آن جمله می‌توان به لیست زیر اشاره کرد:

۱. ثابت بن خالد بن عمرو بن النعمان بن خنساء که در شهادتش در بئر معونه و یا روز یمامه اختلاف است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۶۰): ۲. الحکم بن سعید بن العاص بن أمیة؛ در اینکه وی در یمامه به شهادت رسیده یا در نبرد موته و یا در جنگ بدر کشته شده، اختلاف است (شافعی، ۱۹۹۵هـ ج ۲۹، ص ۵۹ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۰۹): ۳. طفیل بن عمرو بن طریف بن العاص الدوسی؛ در اینکه وی در یرموک در خلافت عمر کشته شده و یا در روز یمامه اختلاف است (عینی، بی‌تا، ج ۱۴، ص ۲۰۸ و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۳، ص ۲۲۷ و صحاری، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۴۸): ۴. عائذ بن معاص بن قیس انصاری خزرجی؛ گفته شده وی در نبرد یمامه شهید شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۱) برخی دیگر گفته‌اند وی در بئر معونه کشته شد. همچنین برخی دیگر بر این باورند که برادرش معاذ در بئر معونه و خودش در نبرد یمامه شهید شده است (عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۳، ص ۴۹۵ و ابن سعد، ۱۹۶۸م، ج ۳، ص ۵۹۵): ۵. عبد الله بن عتیک را برخی از آن دسته کسانی شمرده‌اند که در جنگ صفین همراه حضرت علی بن ابی‌طالب علیه السلام بوده و برخی دیگر وی را از مقتولین نبرد یمامه نام برده‌اند (ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۲، و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۱۰۲): ۶. عبد الله بن عبد الله بن اُبی بن سلول هرچند اکثر رجالیان وی را از شهدای یمامه می‌دانند (صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۵، ص ۴۲۴ و محمد بن حبیب بغدادی، بی‌تا، ص ۴۰۳ و محیی الدین نووی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۷۹ و

صالحی، ۱۴۱۴هـ ج ۱۱، ص ۳۸۶ و ابن حبان، ۱۳۹۵ هـ ج ۳، ص ۲۴۵ و ابن اثیر، ۱۳۸۶ هـ ج ۲، ص ۳۶۷. اما بخاری و بلاذری وی را از مقتولین روز جوته برمی‌شمارند (بخاری، ۱۳۹۷هـ ج ۱، ص ۶۰ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰)؛ ۷. عمارة بن حزم بن زید بن لؤذان الأنصاری الخزرجی برخی وی را شهید واقعه یمامه (بخاری، بی‌تا، ج ۶، ص ۴۹۴ و ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۳، ص ۱۱۴ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۳، ص ۲۹۴) و برخی دیگر او را از شهدای جنگ بدر دانسته‌اند (ذهبی، ۱۴۰۷هـ ج ۳، ص ۷۱ و ابن کثیر، بی‌تا، ج ۶، ص ۳۷۴). هر چند برخی او را متوفای دوران حکومت معاویه برشمرده‌اند (ابن کلبی، بی‌تا، ص ۹۱ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰)؛ ۸. عبد الله بن سعید بن العاص بن أمیة بن عبد شمس بن عبد مناف میان شهادت وی در بدر، یمامه و موته اختلاف است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۷۹)؛ ۹. قیس بن الحارث بن عدی بن چشم بن مجدعة بن حارثة در شهادتش در یمامه (ابن حزم، ۱۴۲۴هـ ج ۱، ص ۲۰ و ابن کلبی، بی‌تا، ص ۷۶ و بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و عسقلانی، ۱۴۱۲هـ ج ۵، ص ۳۵۰) و یا احد (ابن اثیر، ۱۳۸۶هـ ج ۲، ص ۳۶۶ و صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۲۴، ص ۲۱۰) اختلاف است؛ ۱۰. سهیل بن عمرو بن عبد شمس بن عبدود بن القرشی العامری در اینکه وی در یرموک کشته شده و یا در یوم الصفر و یا اینکه بر اثر طاعون فوت نموده اختلاف است (ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۹۵ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۹۰)؛ ۱۱. صفوان بن أمیة ابن خلف، ذهبی وی را متوفای سال ۴۱ هجری می‌داند (ذهبی، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۶۲) که در فوق در لیست شهدای یمامه جای گرفته است؛ ۱۲. حکم بن ابی احیحه در اینکه در روز موته یا در یمامه کشته شده اختلاف است (بلاذری، ۱۳۹۴هـ ج ۲، ص ۲۳۳)؛ ۱۳. ابو اسید مالک بن ربیعہ ساعدی؛ بلاذری می‌گوید وی در سن سی سالگی در مدینه فوت کرده است (بلاذری، ۱۹۵۶م، ص ۱۱۰ و ابن کلبی، بی‌تا، ص ۹۵)؛ ۱۴. ابو دجانہ انصاری یا همان سماک بن خرشه را نیز علاوه بر اینکه گفته شده وی از شهدای جنگ یمامه است اما برخی وی را از شاهدان صفین دانسته‌اند (عباس قمی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۲)؛ ۱۵. سائب بن عثمان بن مظعون به گواهی برخی وی از میان مهاجرین اولین کسی بوده که پس از جنگ بدر در مدینه فوت کرده است (ابن عبد البر، ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۲۴ و صفدی، ۱۴۲۰هـ ج ۶، ص ۳۴۷).

۲.۷. بررسی نام قراء سبعة و عشره و رجال اسانید آنان

با وجود عرضه لیست شهدای قاری نبرد یمامه به رجال اسانید قاریان هفت‌گانه و حتی ده‌گانه و با وجود واکاوی فراوان در میان کتاب‌های قرائات، نام هیچ یک از شهدای یمامه ذیل عناوین قاریان یا اسانید قرائات یافت نشد تا دلیلی بر قاری بودن برخی از شهدا باشد (ر.ک: ابن جزری، بی‌تا: ج ۱، صص ۹۹-۱۹۸ و ابن مجاهد، ۱۴۰۰هـ صص ۵۳-۱۰۱ و عمرو الدانی، ۱۴۰۴هـ صص ۷-۱۳ و سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۱، ص ۱۹۸ و شرعی، ۱۴۱۹هـ، صص ۳۰-۳۱).

۳.۷. بررسی قاریان مطابق لیست ابو عبیده

لیست قاریانی را که ابو عبیده بدان اشاره کرده، بدین شرح است:

«خلفاء اربعه، طلحه، سعد بن ابی وقاص، عبد الله بن مسعود، حذیفه بن یمان، سالم مولی ابی حذیفه، ابو هریره، عبد الله بن السائب بن ابی السائب المخزومی، عبدالله زبیر، عبدالله بن عباس، عبدالله بن عمر، عائشة، حفصة، أم سلمة و از انصار عبادة بن صامت، معاذ بن جبل، مجمع بن جارية، فضالة بن عبید، مسلمة بن مخلد» (عسقلانی، ۱۳۷۹هـ ج ۱۴، ص ۲۱۴ و سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۱، ص ۱۹۵ به نقل از کتاب القراءات ابو عبیده، منع القطان بی‌تا، ص ۱۱۷).

اینها افرادی هستند که در زمان پیامبر موفق به حفظ قرآن شده‌اند. اما برخی، به نقل از ابو عبیده اشخاص دیگری را بر این لیست افزوده‌اند که عبارتند از:

«تمیم داری، عقبه بن عامر، ابو موسی الأشعری (سیوطی، ۱۳۹۴هـ ج ۱، ص ۱۹۵ و عسقلانی، ۱۳۷۹هـ ج ۱۴، ص ۲۱۴) ابو زید الأنصاری، ابو ایوب انصاری، أم ورقه بنت عبد الله بن الحارث الأنصاری، عبد الله بن عیاش بن ابی ربیعة» (شرعی، ۱۴۲۹هـ ص ۲۹ به نقل از کتاب القراءات ابو عبیده).

چنانکه ملاحظه می‌شود این لیست نیز نمی‌تواند دلیل محکمی بر شهادت قاریان بسیاری در نبرد یمامه باشد؛ زیرا از میان قاریان فوق، تنها «سالم» در کتب رجالی و قرائات به «قاری» مشهور است. در شرح حال عقبه هیچ سخنی دال بر

قاری بودن وی نرفته است (عسقلانی ۱۴۱۲هـ: ج ۲، ص ۲۵۸ و ابن اثیری تا: ج ۱، ص ۷۷۶). ضمن آنکه اگر مراد از عقبه بن عامر در لیست ابوعبیده یا ذهبی، همان قاری و کاتب و شاعری باشد که در دوران معاویه در مصر در سال ۵۸ هجری فوت کرده است (عسقلانی، ۱۴۰۴هـ ج ۷، ص ۲۱۶ و زرکلی ۲۰۰۲م، ج ۴، ص ۲۴۰ و ابن حبان، ۱۳۹۵هـ ج ۳، ۲۸۰)، باز هم از لیست شهدای قاری جنگ یمامه خارج است. نیز باید در نظر داشت که این افراد در لیست ابوعبیده نبوده بلکه ابوداود نام آنان را به لیست افزوده است (عسقلانی، ۱۳۷۹ هـ ج ۱۴، ص ۲۱۴).

اگر در لیست فوق منظور از طلحه، همان طلحه بن عتبه انصاری باشد، وی نیز از شهدای یمامه است اما مترجمان در شرح حال وی سخن از قاری بودن او به زبان نیاورده‌اند (ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۳۳ و صفدی ۱۴۲۰هـ ج ۱۶، ص ۲۷۳ و ابن کثیر بی تا: ج ۶، ص ۳۷۴). دیگر قراء نیز در نبرد یمامه یا نبوده‌اند و یا اگر حضور داشته‌اند، رجال شناسان تاریخ وفاتشان را غیر از تاریخ جنگ یمامه ثبت کرده‌اند؛ به عنوان نمونه ابو ایوب انصاری متوفای سال ۵۲ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۲، ص ۲۹۵، و ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۵۱۰)؛ عباد بن صامت متوفای ۳۴ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۲، ص ۲۹۵ و ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۵۱۰)؛ و مجمع بن جاریه متوفای سال ۵۰ هجری است (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۳، ص ۳ و ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۲۴۳). همچنین فضاله بن عبید متوفای سال ۵۳ هجری می‌باشد (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۵، ص ۲۸۰ و ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۲۳) و یا مسلم بن مخلد متوفای سال ۶۲ هجری (زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۵، ص ۱۴۶ و ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۳۹۰) و یا امّ ورقه متوفای دوان خلافت عمر (ابن عبد البر ۱۴۱۲هـ ج ۱، ص ۴۳۷ و زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۷، ص ۲۲۴)؛ عبد الله بن عیاش ابی ربیع نیز متوفای حدود سال ۷۰ به بعد (ذهبی ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۵۸) و در نهایت از عبد الله بن سائب متوفای سال ۷۰ هجری (ابن جزری بی تا: ص ۱۸۶، مزی ۱۴۰۰هـ ج ۱۴، ص ۵۵۳ و ذهبی ۱۴۰۴هـ ج ۱، ص ۴۸) یاد شده است. شایان ذکر است که در ذیل توصیف این افراد به قاری بودن هریک از آنان تصریح شده است.

۴.۷. بررسی ادله قائلان به کثرت شهدای قاری

بررسی دلیل نخست؛ همان طور که اشاره شد سخن عمر به عنوان نخستین و مهم‌ترین دلیل مطرح شده از سوی قائلان شمرده می‌شود. برخی ذیل سخن عمر پس از پایان جنگ یمامه توضیحاتی به عنوان شرح ذکر کرده‌اند که قابل توجه است و در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

الف) ابن حجر در شرح سخن عمر طبق نسخه روایت سفیان بن عیینه می‌گوید: «ذیل نام «قراء» به نام سالم با این الفاظ «فلما قتل سالم مولی اَبی حذیفه خشی عمر ان یذهب القرآن، فجاء اِلی اَبی بکر» تصریح شده است زیرا سالم جزو آن چهار نفری بود که پیامبر دستور اخذ قرآن از آنان را داده بودند» (عسقلانی ۱۳۷۹هـ: ج ۱۴، ص ۱۹۳ و سیوطی ۱۳۹۴هـ: ج ۲، ص ۴۵۸).

ب) ابن حجر در ادامه در شرح «فیذهب کثیر من القرآن» از این عبارت عمر دریافته است که بسیاری از کشته‌شدگان حافظ قرآن بوده‌اند. سپس می‌نویسد: «البتة شاید مراد این نباشد که تمام شهدا حافظ بوده‌اند، بلکه ممکن است جمعی از آنان حافظ بوده باشند» (عسقلانی، ۱۳۷۹هـ: ج ۱۴، ص ۱۹۳).

ابتدا باید گفت عمر در کلام خود، به طور مبهم تنها به شهادت قراء اشاره کرده است، نه آنکه تعداد دقیق شهدای قاری را تعیین کرده باشد. البته مورخان و رجالیان و دیگر اندیشمندان نیز در استنادات خود فقط به تعداد زیادی از قراء شهید اشاره کرده و در هنگام اثبات شدت کشتار قراء، گاه آمار مبالغه‌آمیزی را ذکر کرده‌اند آن هم به دلیل شهادت سالم بن معقل، زیرا فقط او به صراحت در اخبار، قاری و حافظ معرفی شده است.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که با کشته شدن یکی از آن چهار نفری که پیامبر دستور اخذ قرآن از آنان را داده بود، عمر نگران شد که اگر قرآن گردآوری نشود، ممکن است دیگر قاریان نیز از دست بروند و قرآن زایل شود. و این به معنای اهتمام عمر در جمع‌آوری قرآن به دلیل کشته شدن سالم در جنگ یمامه است.

به نظر می‌رسد با توجه به شواهد و قراین تاریخی و روایی در تعداد شهدای قاری در یمامه بزرگ‌نمایی شده است، به دلیل برجسته‌سازی کار خلفا در راستای گردآوری قرآن (در این زمینه ن.ک: عاملی - اسلامی ۱۳۷۷ش: صص ۱۰۰-۱۰۹). همانگونه که برخی از اهل سنت نیز پس از بیان گفته عمر چنین نتیجه‌ای را ادعا نموده‌اند (سلیمان العبید، بی‌تا، ص ۳۹).

از سوی دیگر شبیه به این بزرگ‌نمایی‌ها را می‌توان در هنگام شرح حال سالم دید، هنگامی که از اعتماد و تکیه عمر به وی مطلع می‌شویم تا جایی که عمر در وصف او می‌گوید: «اگر سالم زنده بود او را در شوری می‌گماردم» (ابن کثیر بی‌تا: ج ۶ ص ۳۷۰ و زرکلی ۲۰۰۲م: ج ۳، ص ۷۳ و صفدی ۱۴۲۰: ج ۵، ص ۲۵) یعنی خلافت را به او می‌سپردم (ابن کثیر بی‌تا، ج ۶ ص ۳۷۰) و یا هنگامی که در تاریخ با همراهی عمیق سالم با سیاست‌های عمر مواجه می‌شویم، آن هنگام که وی بر در خانه علی بن ابی‌طالب علیه السلام برای گرفتن بیعت رفت (شبستری ۱۳۷۹ش: ص ۴۲۷) و یا هنگامی که در روایات می‌بینیم که پیامبر بر آموختن قرآن از او و سه تن دیگر تأکید کرده‌اند، و یا آن هنگام که برخی سالم را اولین جامع و مدون قرآن می‌دانند که بر گردآوری آن اهتمام ویژه‌ای داشته است، به طوری که از وی نقل کرده‌اند که گفته است: «تا قرآن را جمع‌آوری نکرده باشم ردا بر دوش نمی‌افکنم!».

حال سؤالی که در ذهن شکل می‌گیرد این است که چرا تمام منابع دست اول روایی، تاریخی و رجالی نام سالم بن معقل را به عنوان یکی از قاریان به نام آورده‌اند، در حالی که به گفته ذهبی قرائت وی به دست ما نرسیده است، یا حتی سخنی از دیگر قاریان هم‌طراز با سالم در این کتب به چشم نمی‌آید؟ آیا واقعاً می‌توان به این اخبار اعتماد کرد؟ در حالی که اهل سنت خود به این انحصار در فراگیری قرآن از معاذ بن جبل، ابن مسعود، ابی بن کعب و سالم چندان پایبند نبوده و در بیان توجیه آن گفته‌اند: «تعداد کسانی که قرآن را فرا گرفتند و یا جمع

نمودند از این تعداد بیشتر بود و روایت انس بن مالک ناشی از علاقه شدیدش به این چهار تن بوده است یا اینکه کسی دیگر در ذهنش نبوده است!» (سیوطی ۱۳۹۴هـ: ج ۲، ص ۴۶۱ و عسقلانی، ۱۳۷۹هـ: ج ۱۴، ص ۲۱۴).
از این رو شاید بتوان چنین نتیجه گرفت که کشته شدن سالم بن معقل که در واقع از نگاه عمر بن خطاب یکی از کاندیداهای خلافت بوده است و نیز خلاً وجود مصحف برای خلیفه مسلمین (ابوبکر) دلیلی شد تا عمر پیشنهاد جمع قرآن را به ابوبکر بدهد نه به دلیل شهادت جمع بسیاری از قاریان.

بررسی دلیل دوم؛ بررسی شعارهایی است که برخی، وجود آن‌ها را دلیلی بر قاری بودن کشته‌شدگان دانسته‌اند. طبق برخی اسناد، رجال بن عنفوه نام یکی از یاران مسیلمه است که ابتدا اسلام آورد و سوره بقره را قرائت کرد، اما پس از بازگشت به یمامه مرتد شد و به حمایت از مسیلمه روی آورد. به همین جهت شعار آن روز مسلمانان یا اصحاب سوره بقره بوده است (ر.ک: بلاذری، ۱۹۵۶م، صص ۱۰۵-۱۰۸). شاید در واقع مسلمین خواسته‌اند با این شعار به مقابله با عنفوه بپردازند.

در رابطه با شعار دوم باید یادآور شد که گفته سالم نیز تأییدی بر قاری بودن او است که به آن اشاره شد. اما در رابطه با شعار سوم گفتنی است خطاب حذیفه به مسلمانان که گفت: «یا اهل القرآن» شاید متوجه این نکته باشد که چون سپاه مسلمین در برابر سپاه مرتدین قرار داشت و به تبع آن، مسلمین مدافع و محافظ قرآن بوده‌اند، حذیفه از یاران مسلمان خود خواست که با روی آوردن به میدان جنگ به دفاع از قرآن بپردازند و با عمل کردن به دستورات قرآن (که از جمله آنها جهاد است) آن را مزین نمایند.

بررسی دلیل سوم؛ مبنی بر اهتمام صحابه به فراگیری قرآن صحیح است و دلایل فراوان و محکمی دال بر این موضوع وجود دارد. که از آن جمله دستور پیامبر ﷺ به قاریان است تا به شهرها و قبایل تازه مسلمان شده بروند و به نشر و ترویج قرآن بپردازند. و از سوی دیگر حافظه مردم، اولین و در دسترس‌ترین ابزار جهت حفظ قرآن به شمار می‌رفته است، در نتیجه در حین ثبت قرآن توسط کاتبان وحی، عده دیگری از مسلمانان وقت خود را صرف حفظ آن در

صدور خود می‌نمودند. اما متأسفانه مورخین و محدثین تنها نام هفت تن از قراء یا حفاظ را ثبت نموده‌اند که عبارتند از: «علی بن ابیطالب علیه السلام، عثمان بن عفان، ابن مسعود، ابی بن کعب، زید بن ثابت، ابو موسی اشعری و ابو درداء» (ذهبی، ۱۴۰۴هـ ص ۴۲).

باید به این نکته توجه داشت که ذهبی پس از ذکر نام هفت تن از قاریان صحابی، معاذ بن جبل و ابی زید و سالم مولی ابی حدیفه و عبدالله بن عمر و عتبه بن عامر (البته اگر بتوان گفت شاید مراد همان عقبه بن عامر باشد) را نیز نام می‌برد و تصریح می‌کند که قرائت ایشان به دست ما نرسیده است (ذهبی، ۱۴۰۴هـ ص ۴۲).

بررسی دلیل چهارم؛ باید گفت در رابطه با معلمان قرآنی که در بئر معونه کشته شده‌اند، اطلاع دقیق و جامعی بر نام این افراد وجود ندارد، مورخان در آنجا نیز تنها به ذکر کلیات پرداخته و تعداد قراء شهید را هفتاد تن ذکر کرده‌اند که البته بررسی صحت و سقم آن محتاج مجال ویژه‌ای است.

از سوی دیگر شاید دلیل مبالغه در تعداد کشته‌شدگان قاری را بتوان در چند مسأله مورد تأمل قرار داد:

(الف) به خاطر بیان عظمت حادثه بوده به طوری که در هنگام بیان تعداد سپاهیان دشمن نیز این مبالغه دیده می‌شود. چه آنکه چگونه ممکن است مسیلمه در عرض چند سال نیروی عظیمی را گرد خود جمع کرده باشد که تنها ۴۰ هزار نفر آنان جنگجو بوده‌اند. جدای از زنان و کودکان و کهنسالانی که در آن جامعه وجود داشته‌اند و حال آنکه پیامبر اسلام پس از ۲۳ سال تبلیغ چنین نیروی انسانی را به دین خود در آورد، چنانکه گفته شده در غزوه تبوک سپاه اسلام سی هزار نفر بوده است (ابن مطهر، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۰).

(ب) برخی به قرینه اینکه اکثر کشته‌شدگان از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند، آنان را قاری یا حافظ قرآن دانسته و در توجیه این ادعا گفته‌اند: «از سعید بن مسیب نقل شده است که در روز یمامه ۷۰ تن از انصار کشته شده‌اند. پس شکی نیست که اکثر آنان حافظ قرآن بوده‌اند یا تمام قرآن را و یا بعضی از آن را در حافظه داشتند. بنابراین تمام آنان حافظ برای کل قرآن محسوب می‌شدند» (شرعی، ۱۴۱۹هـ ص ۹۸).

البته باید پرسید که آیا صحابی بودن دال بر حافظ قرآن بودن است؟ چه بسا افرادی که جزو صحابه پیامبر بودند اما در این خصوص نصیبی نداشتند و یا حتی حافظه حفظ آن را نداشتند. ضمن آنکه عنوان حافظ منصرف به کسی است که حافظ کل یا بیشتر آن باشد، نه به کسی که چند سوره را حفظ باشد. گفتنی است اکثر کسانی که شهدای قاری را ۷۰ تن ذکر کرده‌اند، در استناد ادعای خود به سخن قرطبی چنگ زده‌اند که وی گفته است به قرینه کشته شدن ۷۰ تن از قرا در بئر معونه، رقم شهدای قاری در یمامه نیز ۷۰ تن است. و این مطلب بسیار عجیبی است زیرا در کلام قرطبی سخنی از شهادت ۷۰ تن از قراء در جنگ یمامه نیامده است بلکه وی از قتاده روایتی نقل نموده که در آن به بیان تعداد کشته‌شدگان از انصار در احد، بئر معونه و یمامه پرداخته است (قرطبی ۱۴۲۳ هـ ج ۴، ص ۲۱۹) که بخاری و برخی دیگر همین مطلب را با ذکر سند آورده‌اند (بخاری، ۱۴۰۱ هـ ج ۱۳، ص ۴۵۷ و شافعی، ۱۹۹۵ م، ج ۲۶، ص ۱۰۴ و ابن کثیر، ۱۳۹۶ هـ، ج ۳، ص ۹۱). اما برخی ناقلین سخن وی، به جای ذکر واژه «انصار»، کلمه «قراء» را به کار برده‌اند (سیوطی ۱۳۹۴ هـ ج ۱، ص ۱۹۳ و زرکانی ۱۹۹۶ م، ج ۱، ص ۲۴۲ و ابن حجر، ۱۳۷۹ هـ ج ۱۴، ص ۲۱۴).

بدین ترتیب با استدلال و استناد به سخن قرطبی شهدای قاری در یمامه را هفتاد تن بر شمرده‌اند. شاید بتوان گفت دلیل این ادعا همانگونه که بیان شد، حافظ یا قاری دانستن انصار بوده باشد.

(ج) هرچند ممکن است وجود برخی از بزرگان صحابه در این جنگ، باعث شده باشد تا تاریخ‌نگاران در عدد قاریان شهید مبالغه کنند، چرا که در میان لشگریان اسلام رشادت‌های بزرگانی چون عمار بن یاسر (حاکم نیشابوری ۱۴۱۱ هـ ج ۱۳، ص ۱۱۷) دیده می‌شود و یا شاید شهادت برخی از قاریان صحابه همچون ثابت بن قیس خطیب پیامبر ﷺ و یا همانگونه که اشاره شد، شهادت سالم موجب این ادعا شده باشد. و یا حتی ممکن است شهادت برخی از صحابه برجسته یا مشهور مانند: زید بن خطاب برادر خلیفه دوم، و یا کشته شدن یزید بن ثابت

برادر زید بن ثابت و یا حتی شهادت سائب بن عوام برادر زبیر بن عوام که از کاتبان شمرده می‌شد و یا کشته شدن حذیفه بن عتبّه و دیگران موجب این آشفتگی در آمار شهدای قاری شده باشد.

(د) و نیز شاید بتوان ادعا کرد از آنجا که در آن روز پرچمدار مهاجران، سالم و پرچمدار انصار ثابت بن قیس بوده (طبری، ۱۴۰۷ هـ: ج ۲، ص ۲۷۸) که هر دو از قاریان و کاتبان وحی شمرده شده‌اند موجب چنین برداشت مبالغه‌آمیزی شده است. این سخن را گفته ابن حجر که در بالا ذکر شد، نیز تأیید می‌کند.

به هر حال آنچه از واکاوی منابع گوناگون می‌توان نتیجه گرفت تعداد مجموع شهدا اعم از قاریان، انصار، مهاجرین و حتی تازه مسلمان شدگانی است که در نبرد یمامه کشته شده‌اند که این تعداد مطابق آنچه به ثبت رسیده است بالغ بر ۱۶۰ تن می‌باشد. البته پس از مطالعه شرح حال هریک از آنان تنها دو تن از شهدا هستند که به صراحت بر قاری بودنشان تأکید شده است که عبارتند از «سالم بن معقل» و «ثابت بن قیس». (شبستری ۱۳۷۹ش: ص ۲۱۷ و شافعی ۱۹۹۵م: ج ۴، ص ۳۲۷).

اما یک واقعیت را نباید از نظر دور داشت و آن ثبت ناقص برخی از اخبار به دلیل کمبود امکانات گزارشی است. از این رو می‌توان با وجود برخی قراین، بر لیست شهدای قاری افزود که از جمله این قراین عبارتند از:

• کتابت وحی:

عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول را جزو کاتبان وحی ذکر کرده‌اند. بدین ترتیب شاید بتوان وی را از جمله حفاظ قرآن ذکر نمود، اما در این صورت با یک مشکل مواجه هستیم و آن درج نام او در لیست شهدای جوته است که قبلاً به آن اشاره شد.

• صفاتی که دلالت بر قاری بودن دارند:

الف) صفت «من فضلاء الصحابه»: اگر همین صفت را قرینه بر فراگیری قرآن چه به صورت حفظ آن و چه به صورت فهم آیات بدانیم، با توجه به محدودیت علوم در صدر اسلام و اینکه افضلیت افراد بر مبنای قرآن و

معارف آن سنجیده می‌شده است، شاید بتوان افراد دیگری را بر لیست قاریان شهید افزود که عبارتند از: ابوحنیفه بن عتبه (ابن اثیر بی تا: ج ۲، ص ۱۹۵ و ابن کلبی بی تا: ص ۷۷)؛ عکاشه بن محسن ابن حرثان (ابن کثیر ۱۴۰۸ هـ: ج ۶ ص ۳۷۲)؛ عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول (ذهبی ۱۴۰۷ هـ: ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر بی تا: ج ۲، ص ۱۳۳) سماک بن خرشة یا ابو دجانة (شبستری ۱۳۷۹ ش: ج ۱، ص ۱۹ و ابن اثیر بی تا: ج ۲، ص ۴۷۸) و عبدالله بن سهیل العامری (ابن عبد البر، ۱۴۱۲ هـ ج ۱، ص ۲۸۱ و ابن اثیر بی تا، ج ۲، ص ۱۲۲).

ب) صفت «عبادت و اجتهاد»: سائب بن عثمان بن مظعون (ذهبی ۱۴۱۳ ج ۱، ص ۱۵۵ و صفدی ۱۴۲۰ ج ۶ ص ۳۴۷) که علاوه بر دارا بودن صفت فوق، صفت «عابداً مجتهداً» را نیز داشته است. این صفت به اذعان برخی گواه بر قاری بودن است (ثنایی: ۳۵) که البته در صورت قاری بودن وی، برخی از رجالیان در شهادتش در یمامه تردید دارند.

• سایر قرائن:

عباد بن بشر را شاید بتوان به سه قرینه از قاریان برشمرد زیرا:

۱. در روایتی از عایشه است که «سه تن از انصار از عبد الأشهل فاضل‌ترینند؛ سعد بن معاذ و اسید بن حضیر و عباد بن بشر» (ذهبی ۱۴۰۷ هـ: ج ۱، ص ۳۷۷ و ابن اثیر بی تا: ج ۱، ص ۵۷۰ و ابن سعد ۱۹۶۸ م: ج ۳، ص ۴۴۰)؛
۲. وی بدست مصعب بن عمیر که از قاریان مشهوری بوده مسلمان شد (ابن سعد، ۱۹۶۸ م، ج ۳، ص ۴۴۰)؛
۳. و از طرفی در روایتی است که پیامبر ﷺ هنگام شنیدن صوت عباد (ابن اثیر بی تا: ج ۱، ص ۵۷۰) که در مسجد نماز می‌خواند (ابن حجر، ۱۴۱۲ هـ ج ۲، ص ۳۸۴)، فرمودند: «اللهم ارحم عبداً». شبیه به همین روایت در جای دیگری است که پیامبر ﷺ در حال نماز خواندن در خانه عایشه بودند که صوت عباد را شنیدند و برای وی دعا

نمودند (ذهبی ۱۴۰۷هـ: ج ۱، ص ۳۷۷). البته باید اذعان نمود این قرینه دلیل محکمی برای قاری شمردن وی نیست اما شاید بتوان از مجموع این قرائن، قاری بودن او را استنباط کرد.

۸. نتیجه‌گیری

بنابر آنچه گفته شد می‌توان شهدای قاری در نبرد یمامه را به دو دسته تقسیم نمود:

الف) قاریانی که بر قاری بودنشان در کتب اسلامی تصریح شده است، فقط دو تن هستند: سالم مولی ابی حذیفه و ثابت بن قیس. از این‌رو باید گفت حفص بن غانم قاری نبوده و مدرکی دال بر این مطلب در کتب یافت نشده است.

ب) و قاریانی که با توجه به برخی از قرائن می‌توان به لیست قاریان شهید در نبرد یمامه اضافه کرد، ۷ نفر می‌باشند که عبارتند از: عبدالله بن عبدالله بن ابی بن سلول، ابو حذیفه بن عتبّه، عکاشه بن محسن ابن حرثان، عبد الله بن سهیل عامری، سماک بن خرشة یا ابو دجانة، سائب بن عثمان بن مظعون و عباد بن بشر.

بدین ترتیب باید گفت قاریان شهید در جنگ یمامه تنها ۹ نفر بوده‌اند نه ۷۰۰ یا ۴۰۰ و یا حتی ۷۰ قاری و به تبع این نتیجه، انگیزه خلیفه اول در جمع قرآن نیز مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. ضمن آنکه برخی از بزرگان شیعه از ابتدا انگیزه خلیفه اول در جمع قرآن را نپذیرفته و آن را توجیهی بر کار ابوبکر دانسته‌اند زیرا وی نسخه کاملی از قرآن نداشته و می‌خواسته مصحف شخصی داشته باشد که از زید در انجام این کار استمداد طلبیده است. (عاملی ۱۳۷۷ش، ص ۱۰۳). در حالی که دیگر صحابه از جمله امام علی علیه السلام ابن مسعود، ابی بن کعب، ابن عباس و ... هر یک صاحب مصحفی برای خود بودند.

منابع

۱. ابن الأثیر، عزالدین، *اسد الغابة*، بیروت - لبنان: دارالکتب العربی، ۱۴۱۵هـ.
۲. همو، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دار صادر دار بیروت للطباعة و النشر، ۱۳۸۶هـ.
۳. ابن خلدون، ابوزید، *تاریخ ابن خلدون*، بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، چاپ چهارم، ۱۳۹۱هـ.
۴. ابن الجزری، شمس الدین ابو الخیر، *غایة النهاية فی طبقات القراء*، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۵. همو، *النشر فی القراءات العشر*، محقق علی محمد الضباع، بی‌جا، المطبعة التجارية الكبرى، بی‌تا.
۶. ابن حزم الأندلسی، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید، *جمهرة أنساب العرب*، بیروت - لبنان: دار الکتب العلمیة، چاپ سوم، ۱۴۲۴هـ.
۷. ابن کثیر، إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی، *البدایة و النهایة* (الف)، بیروت: مکتبة المعارف، بی‌تا.
۸. همو، *فضائل القرآن* (ب)، بیروت: دار الاندلس، بی‌تا.
۹. همو، *السیرة النبویة* (ج)، تحقیق مصطفی عبد الواحد، بیروت - لبنان: دار المعرفة للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۳۹۶هـ.
۱۰. ابن الکلبي، علی بن احمد، *جمهرة أنساب العرب* (الف)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۱. همو، *نسب معد و الیمن الكبير* (ب)، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
۱۲. ابن ماکولا، *اکمال الکمال*، بی‌جا، دار إحياء التراث العربی، بی‌تا.
۱۳. ابن مجاهد التمیمی البغدادی، أبو بکر أحمد بن موسى بن العباس، *السبعة فی القراءات*، تحقیق شوقی ضیف، القاهرة: دار المعارف، چاپ سوم، ۱۴۰۰هـ.

١٤. ابن هشام البصرى، أبو محمد عبد الملكة سيرة ابن هشام، تحقيق محمد محيى الدين عبد الحميد المدنى، القاهرة: مكتبة محمد على صبيح و أولاده، ١٣٨٣هـ.
١٥. أبى أحمد الحاكم الكبير، محمد بن محمد، الأسامى والكنى، محقق يوسف بن محمد الدخيل، بى جا، مكتبة الغرباء الأثريه، چاپ اول، بى تا.
١٦. أبى عمرو خليفة بن خياط، الطبقات دراسه، تحقيق سهيل زكار، بى جا، دار الفكر، بى تا.
١٧. أبوبكر الشيبانى، أحمد بن عمرو بن الضحاکه الأحاد و المثنائى، تحقيق باسم فيصل أحمد، رياض: دار الرايه، چاپ اول، ١٤١١هـ.
١٨. اكفانى، هبة الله بن أحمد بن محمد بن هبة الله، تاريخ مولد العلماء و وفياتهم، بى جا، بى نا، بى تا.
١٩. بخارى الجعفى، محمد بن إسماعيل، صحيح البخارى، بى جا، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، ١٤٠١هـ.
٢٠. همو، التاريخ الكبير، تحقيق السيد هاشم الندوى، بى جا، دار الفكر، بى تا.
٢١. همو، التاريخ الصغير، تحقيق محمود إبراهيم زايد، قاهره: حلب، دار الوعى، مكتبة دار التراث، چاپ اول، ١٣٩٧هـ.
٢٢. بصرى الزهرى، محمد بن سعد بن منيع أبو عبدالله، طبقات الكبرى، محقق احسان عباس، بيروت: دار صادر، ١٩٦٨م.
٢٣. بلاذرى، احمد بن يحيى، فتوح البلدان، تحقيق صلاح الدين المنجد، قاهره: مكتبة النهضة المصريه، ١٩٥٦م.
٢٤. همو، انساب الأشراف، تحقيق الشيخ محمد باقر المحمودى، بيروت - لبنان: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٤هـ.
٢٥. بغدادى، محمد بن حبيب، المحبر، بى جا، بى نا، بى تا.
٢٦. التستري، محمد تقى، قاموس الرجال، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة المدرسين بقم، چاپ اول، ١٤١٩هـ.
٢٧. التميمى البستى، محمد بن حبان بن أحمد أبوحاتم، الثقات، تحقيق السيد شرف الدين أحمد، بى جا، دار الفكر، چاپ اول، ١٣٩٥هـ.

۲۸. همو، مشاهیر علماء الأمصار، تحقیق فلايشهمر، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۹۵۹م.
۲۹. جعفریان، رسول، محمود شریفی افسانه تحریف قرآن، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۳۰. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بیروت: دارالکتب العلمیة، الطبعة الاولى، ۱۴۱۱هـ.
۳۱. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه آثار الامام الخویی، بی‌نا، بی‌تا.
۳۲. الذهبی، شمس الدین محمد بن أحمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، بیروت - لبنان: دار الکتب العربی، چاپ اول، ۱۴۰۷هـ.
۳۳. همو، سیر اعلام النبلاء، محقق مجموعه محققین بإشراف شعیب الأرناؤوط، بیروت - لبنان: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳هـ.
۳۴. همو، معرفة القراء الکبار علی الطبقات والأعصار، تحقیق بشار عواد معروف، شعیب الأرناؤوط، صالح مهدی عباس، بیروت: مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۰۴هـ.
۳۵. الرازی، عبد الرحمن بن أبی حاتم، الجرح و التعديل، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول، ۱۲۷۱هـ.
۳۶. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران: انتشارات امیر کبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۰ش.
۳۷. الزبیری، أبو عبد الله المصعب بن عبد الله، نسب قریش، تحقیق لیفی بروفسال، القاهرة: دار المعارف، بی‌تا.
۳۸. زرکشی، بدر الدین محمد بن عبد الله، البرهان فی علوم القرآن، محقق محمد أبو الفضل إبراهيم، بیروت - لبنان: دار إحياء الکتب العربیة عیسی البابی الحلبي و شرکائه، چاپ اول، ۱۳۷۶هـ.
۳۹. زرکلی دمشقی، خیر الدین بن محمود، الأعلام، بی‌جا، دار العلم للملایین، چاپ پانزدهم، ۲۰۰۲م.
۴۰. زرقانی، محمد عبدالعظیم، مناهل العرفان فی علوم القرآن، تحقیق مکتب البحوث و الدراسات، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۴۱. السمعانی، محمد بن منصور، الأنساب، تحقیق عبد الله عمر البارودی، بیروت - لبنان: دار الجنان للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ.

٤٢. سيوطى، جلال الدين، *الإتقان فى علوم القرآن*، محقق محمد أبو الفضل إبراهيم، بى جا، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٣٩٤هـ.
٤٣. شبستري، الحسين، *اعلام القرآن*، قم، دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، ١٣٧٩ش.
٤٤. شافعى، ابن عساكر، *تاريخ مدينة دمشق و ذكر فضلها*، تحقيق محب الدين أبى سعيد العمري، بيروت، دار الفكر، ١٩٩٥م.
٤٥. شرعى، أبو زيد محمد، *جمع القرآن فى مراحلہ التاريخية من العصر النبوى إلى العصر، بى جا، بى نا، ١٤١٩ هـ.*
٤٦. شيبانى، أحمد بن حنبل، *مسند الإمام أحمد بن حنبل، القاهرة: مؤسسة قرطبة، بى تا.*
٤٧. صالحى الشامى، محمد بن يوسف، *سبل الهدى و الرشاد*، تحقيق عادل أحمد عبد الموجود، على محمد معوض، بيروت - لبنان: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٤هـ.
٤٨. صفدى، خليل بن ايكة *الوافى بالوفيات*، تحقيق أحمد الأرنؤوط و تركى مصطفى، بيروت: دار إحياء التراث، ١٤٢٠هـ.
٤٩. طبرانى، سليمان بن أحمد، *المعجم الكبير*، تحقيق حمدى بن عبد المجيد السلفى، موصل، مكتبة العلوم و الحكم، چاپ دوم، ١٤٠٤هـ.
٥٠. طبرى، محمد بن جرير، *تاريخ الأمم و الرسل و الملوك*، بيروت: دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤٠٧هـ.
٥١. عاملى، جعفر مرتضى، *حقايق مهم بيرامون قرآن*، مترجم حسن اسلامى، قم: دفتر انتشارات اسلامى، چاپ سوم، ١٣٧٧ش.
٥٢. العبيد، على بن سليمان، *جمع القرآن الكريم حفظا و كتابة، بى جا، بى نا، بى تا.*
٥٣. عسقلانى، أحمد بن على، *فتح البارى شرح صحيح البخارى*، تحقيق أحمد بن على العسقلانى، بيروت: دار المعرفة، ١٣٧٩هـ.
٥٤. همو، تبصير المنتبه *بتحرير المشتبه*، تحقيق محمد على النجار، مراجعة على محمد البجاوى، بيروت - لبنان: المكتبة العلمية، بى تا.
٥٥. همو، *الإصابة فى تمييز الصحابة*، تحقيق على محمد البجاوى، بيروت: دار الجيل، چاپ اول، ١٤١٢هـ.

۵۶. همو، *تهذیب التهذیب*، بیروت: دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۰۴هـ.
۵۷. همو، *تقریب التهذیب*، تحقیق محمد عوامه، سوریه: دار الرشیدف، چاپ اول، ۱۴۰۶هـ.
۵۸. عسگری، مرتضی، *خمسون و مائه الصحابی المتخلق*، بیروت، منشورات کلیه اصول الدین بغداد، چاپ اول، بی تا
۵۹. العکری الحنبلی، عبد الحی بن أحمد بن محمد، *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*، تحقیق عبد القادر الأرناؤوط، محمود الأرناؤو، دمشق: دار بن کثیر، ۱۴۰۶هـ.
۶۰. العینی، بدر الدین، *عمدة القاری*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۶۱. عمرو الدانی، أبو عمرو عثمان بن سعید، *التیسیر فی القراءات السبع*، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۴هـ.
۶۲. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد، *الجامع لأحكام القرآن*، محقق هشام سمیر البخاری، ریاض: دار عالم الکتب، ۱۴۲۳هـ.
۶۳. قمی، شیخ عباس، *الکنی و الالقاب*، مقدمه محمد هادی امینی، تهران: مکتبه الصدر، بی تا.
۶۴. مزی، یوسف بن الزکی، *تهذیب الکمال*، تحقیق بشار عواد معروف، بیروت: مؤسسه الرساله، چاپ اول، ۱۴۰۰هـ
۶۵. مطهر بن طاهر المقدسی، *البدء و التاریخ*، بی جا، بی تا.
۶۶. معرفت، محمد هادی، *تاریخ قرآن*، تهران، سمت، چاپ پنجم، ۱۳۸۲ش.
۶۷. مناع بن خلیل، القطان، *مباحث فی علوم القرآن*، قاهره، مکتبه و هبة القاهرة، چاپ هفتم، بی تا.
۶۸. نسائی، احمد بن شعیب، *السنن الکبری*، تحقیق عبد الغفار سلیمان البنداری، سید کسروی حسن مدار، بیروت - لبنان: الکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۱هـ.
۶۹. نولدکه، تئودور، *تاریخ القرآن*، ترجمه جورج تامر، بیروت: دارالنشر جورج المز، چاپ اول، ۲۰۰۴م.
۷۰. نووی، أبی زکریا محیی الدین بن شرف، *تهذیب الأسماء و اللغات*، تحقیق مصطفی عبد القادر عطا، بی جا، بی تا، بی تا.
۷۱. یعقوبی، *تاریخ الیعقوبی*، بیروت - لبنان: دار صادر، بی تا.
۷۲. یوسف بن عبدالله ابن عبد البر، *الاستیعاب*، تحقیق علی محمد البجاوی، بیروت: دار الجیل، چاپ اول، ۱۴۱۲هـ



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی